

آینة

کیمیان

سرمقاله: «روز واقعه نزدیک است»؛ حسین شریعتمداری

امریکای امروز در مقایسه با مارس ۲۰۰۳ که به عراق لشکرکشی کرد بهمراتب ضعیفتر و شکنندهتر است و اقدام به حمله نظامی علیه سوریه به اعتراف بسیاری از کارشناسان برجسته و رسانه‌های معتبر آمریکایی و اروپایی فقط با واژه «حماقت» قابل ارزیابی است. اسام، از آنجا که به قول «برتراند راسل» فیلسوف شهیر انگلیسی، «از کسی که چندبار دست به حماقت زده، اقدام احمقانه دیگر دور از انتظار نیست» باید گفت… آمریکا می‌تواند آغازکننده جنگ باشد ولی پایان‌داهن به آن در اختیار آمریکا و متحدانش نیست. از این روی حمله موشکی دو یا حداکثر سه‌روزه که «جان کری» وزیرخارجه آمریکابرای جلب موافقت مردم- به‌شدت مخالف جنگ آمریکا- به آن استناد می‌کند، کمترین زمینه‌ای ندارد. جهان اسلام از فتنه‌الگیزی‌های آمریکا و اسرائیل و برخی کشورهای عربی به تنگ آمده‌اند و برای مقابله مستقیم با صهیونیست‌ها به‌جای روش‌ورزی با عوامل دست‌نشانده آنها لحظه‌شماری می‌کنند. حمله به سوریه به این فرصت طلایی را در اختیار ملت‌های مسلمان که اسرائیل را در محاصره دارند، قرار خواهد داد… همه شواهد حکایت از آن دارند که اگر هیاهوی اخیر، عملیات روانی نباشد، روز واقعه نزدیک شده و انتظارهای چندین‌وچندساله برای انتقام رو به پایان است.

گفت‌وگو با صدرالدین شریعتی / ناگفته‌های آقای رییس
معاونت فرهنگی و دانشجویی بعضی‌وقتها گزارش می‌دهد که دانشجویان صدفنر، ۱۰ نفر، ۱۰۰ نفر، وضع مالی‌شان بد است پیشنهاد می‌کند، ما اینقدر به اینها بدهیم. موافقت می‌کنیم و پنهان کمک می‌کنند. بلاشویه؛ برسر پیغمبر خدا هم اشغال می‌ریختند، ما که چیزی نیستیم… امدد کلاس‌ها را جدا کردم… تعارف که نداریم، دخترها می‌آیند می‌گویند «ما عزت دادیم، ما می‌رفتم پای تخته گرزارش بدهیم، سیمینار بدهیم، از آن ته کلاس متلک به ما می‌گفتند آب می‌شدم پای تخته از خجالت حالا به‌طور کامل سالن‌المان را می‌پرسم» کنفرانس‌مان را هم می‌دهیم، هیچ‌کسی هم نیست که به ما متلک بگوید و بسیار بسیار راضی‌اند از کلاس‌ها… دیگر ارتباطات مثل آن روزها نیست؛ حواس‌شان به درس است، آن روز به بهانه جزوه، به این بهانه که استاد چه گفت؟ سوال چه بود؟ برخی ارتباطات ناسالم برقرار می‌شد. یک عده از استادها اخراج بودند به‌خاطر… سوء رفتار با دختران مرد؛ ما برای حفظ احترام و شأن‌شان بازتشنه‌شان کردیم.

تازان

گفت‌وگو / زهرا انصراقی: مشکل زنان ایران «وزیر» و «وکیل شدن نیست

– زن هنوز هم به‌عنوان اسلن دوم در اجتماع ما دیده می‌شود چ‌را برخورد زنان را با موضوع مهریه نباید به‌نوعی واکنش به ظلم‌های مادیوم و تاریخی به زنان بدلییم. یک نمونه موضوع تعدد زوجات است که یکی از مدفغه‌های مهم و همیشگی زنان است. تابه‌حال چقدر به این مدفغه مهم توجه شده است؟…

… تندروی بخشی از جامعه زنان به آن نگاه اجباری به بسیاری از مسایل جامعه زنان برمی‌گردد

– چرا باید زنان متخصص را به‌خاطر نوع پوشششان حذف کنیم؟… دولت احمدی‌نژاد آنقدر در گیر جنگ با همه دنیا بود که وقتی برای رسیدگی به خواسته‌های زنان نداشت تفاوت خاصی در نگاه هر دو دولت (مولوگر) و اصلاح‌طلب) به مقوله زنان نمی‌بینم. در نهایت نگاه مردان ایرانی به حقوق زنان یک نوع است.

اعتراض

یادداشت: «بحران هزار گره سوریه راه عقلائی می‌خواهد؛ جلال خوش چهره

اگر دولتمردان سوری به‌درستی به مطالبات مردم معترض پاسخ می‌دادند هرگز حتی شاهد تغییرات تا سطح آنچه در این کشورها تجربه شد نبودیم… اقدام نظامی راجحل جنگ در پی جنگ است نه بیشتر… چندپارگی سوریه نخستین پیامد شوم چنین اقلیتی است و همان وضعی خواهد بود که اکنون تملکیت ارضی کشورهای ناآرام منطقه را تهدید می‌کند.رود جامعه جهانی به بحران سوریه و شناسایی و تنبیه عاملان جنایت اخیر باید همه‌سویه باشد نظام سیاسی حاکم، نیروهای مخالف و از همه مهم‌تر دولت‌هایی که پشتیبانی مالی و نظامی استمرار جنگ‌خاکی و نیز نیروهای خراج از کنترل در سوریه را برعهده دارند.



یادداشت: «شمارش معکوس برای حمله به سوریه»؛ حسن هانی زاده

قطعا دولت سوریه و به‌هم‌پیمانان این کشور در مقابل حملات موشکی آمریکا و غرب علیه سوریه دست بسته باقی نخواهند ماند و درگیری‌های داخلی سوریه از مرزهای این کشور خارج خواهد شد. هرچند روند سیاسی اعلام کرده که در جنگ احتمالی آمریکا علیه سوریه ورود نخواهد کرد اما قطعا دولت سوریه از همه امکانات بومی خود برای دفاع از تملکیت ارضی خود استفاده خواهد کرد. لذا منطقه خاورمیانه اکنون در آستانه یک تحول خطرناک قرار گرفته و اگر آمریکا و غرب جنگی را از خارج، علیه سوریه تحمیل کنند قطعا کار نخواهد بود بر اساس فرمول‌های خود این جنگ را متوقف کنند.

بهار

یادداشت: «ابتکار یکجانبه» یا «امتیاز یکجانبه»؛ سالار حسینی

برابر عزیزم آقای دکتر هادیان… «ابتکار یکجانبه» دراصل یک عقبنشینی تاکتیکی است… بدون داشتن ابزار لازم برای اثرگذاری مستقیم، روی افکارعمومی دنیا به‌عنوان یک ابزار کارآ، ابتکار یکجانبه تبدیل به امتیازدهی یکجانبه می‌شود، و گرنه شاید پیشتر از میزان پیشنهادی شما را تبدیل به میله‌سبوتخی کردیم و اثری ندیدیم! ابتکار یکجانبه در ادبیات سیاسی دنیا، عقبنشینی از یک‌طرف، برای پیشروی سریع از طرف دیگر است؟ آیا بسترهای لازم برای این پیشروی مهیاس؟

مانند این روزها رسم نبود که چای بیاروند، کنار در ورودی تعدادی استکان نعلیکی و اسباب چای وجود داشت که هر کس تمایل داشت برای خودش چای می‌ریخت. منشی جلسه آن روز جایی می‌نشیند که قرار بوده خسرو تهرانی، مسوول دفتر اطلاعات و تحقیقات دفتر نخست‌وزیری و دبیر شورای امنیت بنشینند. در حین جلسه او (کشمیری) برمی‌خیزد برای رییس‌جمهوری چای می‌ریزد و بعد از گفت‌وگویی کوتاه با تهرانی از جلسه خارج می‌شود. رجایی در صدر میز ضلع شمالی آن نشسته بود سمت پیش به سمت در خروجی، باهنر، وزیر کشور، رییس شهربانی و نمایندگان نیروهای مسلح دو سوی میز سمت راست می‌نشسته جلسه نشستند بودند. لحظاتی بعد ساختمان منجر می‌شود…

بعد از انفجار

جلسه شورای امنیت در اتاق جلسات دولت برگزار می‌شد، از آنجا تا مجلس فاصله زیادی نبود تا جایی که وقتی هاشمی‌رفسنجانی سه‌بعدازظهر، عازم رفتن به جلسه علنی مجلس می‌شود صدای انفجار می‌شنود، از پنجره که نگاه می‌کند، دود و آتش می‌بیند. «جازه‌ها را به سالن مجلس آوردند سخت سوخته بودند رجایی و باهنر را فقط از دندان‌های طلای جلو دهان و آسیابشان می‌شد تشخیص داد. مقداری گوشت هم در کیسه پلاستیکی جمع کرده بودند به‌عنوان فرد دیگری به نام مسعود کشمیری منشی جلسه…» (خاطرات هاشمی‌رفسنجانی سال ۶۰) آیت‌الله بیات زنجانی هم که آن زمان نماینده مجلس بوده، می‌گوید: «یک ساعت گذشت که بهزاد نبوی با موی و ریش سوخته به مجلس آمد. پرسیدم چه شده، گفت نخست‌وزیری منفرج شده و تعدادی کشته شدند و همان‌جا اعلام شد که کشمیری شهید شده است. نام کشمیری را نخستین‌بار همان‌جا شنیدم»

روابطعمومی نخست‌وزیری طی اطلاعیه‌ای اعلام می‌کند پیکر سومی که توسط مردم تشییع شده متعلق به کشمیری نیست بلکه جسد عبدالاحسن دفتریان مدیرکل مالی اداری نخست‌وزیری است و پیکر کشمیری در هنگام انفجار متلاشی شده که قسمت‌های به دست‌آمده همراه سه شهید دیگر به خاک سپرده شده است. همان زمان خبرگزاری فرانسه به نقل از خبرگزاری پارس (ایرنا) اعلام می‌کند مجاهدین خلق در انگلستان طی اطلاعیه‌ای مسوولیت این انفجار را پذیرفته‌اند.

آنطور که هاشمی می‌گوید بعد از انفجار وحشت سختی ایجاد شده بوده. این وحشت را می‌توان از لابه‌لای گفته‌های سرهنگ کتیبه هم دریافت وقتی که با آمبولانس به بیمارستان می‌رود سریع لباسش را که در جرات نظامی‌اش رویش پوده درمی‌آورد. بعد باز حس می‌کند که ممکن است عوامل منافقین آنجا باشند و بخواهند پلاپی بر سرش آورند به بیمارستان دیگری از دوستانشان تلفن می‌کند که برود آنجا. (گفت‌وگو با روزنامه ایران) خود هاشمی هم خانه نمی‌رود: «صلاحت نبود که من مجلس بیرون بروم همان‌جا خوابیم ولی چه خوابی؟»

آن روز برق منطقه به‌خاطر جلوگیری از آتش‌سوزی قطع می‌شود. ناچار جلسه علنی مجلس هم تعطیل می‌شود. ساعت پنج، جلسه علنی مجلس باز آغاز می‌شود وزرا در دفتر هاشمی جمع می‌شوند. همان شب راجعه‌به نخست‌وزیر آینده صحبت می‌کنند. فیلیمرداری می‌شود و در اخبار ساعت هفت پخش می‌شود. هاشمی هم مصاحبه می‌کند و شایعه اینکه همه اعضای هیات دولت شهید شده‌اند را تکذیب می‌کند. جالب اینکه روز قبل در دفتر رجایی جلسه‌ای با حضور هاشمی، یوسف کلاه‌دوز، بهزاد نبوی، رضا سیف‌اللهی، خسرو تهرانی، فخرالدین حجازی، مرتضی ضایبی، آیت‌الله خامنه‌ای، محسن رضایی، قدوسی، باهنر و مهدوی‌کنی برگزار شده بوده و موضوع جلسه هم گزارش پیشرفت کار مبارزه با گروه‌های خرابکار بوده است. (خاطرات هاشمی سال ۶۰ عبور از بحران)

بازگردیم به جلسه…

سخنن از یک کیدفدستی است اما به رادیو هم اشاره می‌شود. از یک‌سو گفته می‌شود که بر اساس شواهد بمب در داخل یک کیدفدستی جاسازی شده بوده و از همان طریق هم وارد ساختمان می‌شود، اما سرهنگ کتیبه می‌گوید: «بهترین وسیله برای جاسازی این بمب را ضبط‌صوتی می‌دانم که ۲۲کیلوگرم وزن داشت و فکر می‌کنم محتویاتش را خارج کرده و داخلش «تی‌ان‌تی» گذاشته بودند.» در حالی که خیلی‌ها صحبت از کیفی می‌کنند که همراه کشمیری بوده، اما کتیبه می‌گوید کیفی در کار نبوده و یک ضبط‌صوت بزرگ گذاشته جلور رجایی در حالی که گفته می‌شد کتیبه خروج کشمیری را از سالن بعد از انفجار دیده است. او اما این را تکذیب می‌کند و می‌گوید که کشمیری ناظم جلسه بوده، رفت‌وآمد افراد یک چیز عادی بوده است. (گفت‌وگو با ویدئنامه نیوروزی روزنامه ایران) از سبویی گفته می‌شود سرتیپ شرفخواه و سرهنگ وصالی از خروج کشمیری از جلسه خبر داده بودند اما خسرو تهرانی شهادت می‌دهد که او از جلسه خارج نشده است. این شهادت دادن و بعد هم شهید خواندن کشمیری در اخبار ساعت هشت‌صبح، پشت‌بند جلسه‌ای که گفته می‌شود محرمانه بوده بعدها و به‌ویژه در منازعات سیاسی، محل مناقشه و اتهام نسبت به برخی افراد شد.

دشمن عزیز

«قیافه حق به‌جانب، ریش محرابی و صورت

سیاست



۳۲ سال بعد از انفجار ۸/۶/۶۰

مهسا جزینی

دنیال وسایل نشوند مختلف و مسایل جمع‌آوری

اطلاعات مخفی بوده اما چون او را بی‌ارتباط با این مسایل می‌دانسته چیزی در اختیارش نمی‌گذارد. «خسروشاهی» در ادامه به موضوع جالبی اشاره می‌کند و آن اینکه حزب توده در جریان وابستگی کشمیری به سازمان بوده و بر همین اساس کیناوری به او هشتدار می‌دهد که «کشمیری یک حساینان هم خاصی کار می‌کند و به همین علت نمی‌خواهد اطلاعات دست‌اوال به دیگران برسد تا در مواردی که سازمان او صلاح نمی‌داند اقدامی نشود». خسروشاهی در ادامه حتی نقل می‌کند که کشمیری به رابط حزب توده به دروغ می‌گوید که برای گرفتن اطلاعات با او، (خسروشاهی) هماهنگ کرده است. به گفته خسروشاهی: «در نهایت بعد از انفجار معلوم شد پیش‌بینی آقای کیناوری درست بوده و کشمیری برای سازمان کار می‌کرده و در این مورد هم می‌خواسته اخبار و اطلاعات تنها در اختیار سازمان باشد تا با صلاحدید سازمان اقدام شود.»

خسرو تهرانی، مسوول‌دفتر اطلاعات و تحقیقات دفتر نخست‌وزیری تنها یکی، دوبار گفت‌وگویی رسانه‌ای داشته و درباره ماجرا صحبت کرده است. نشریه امید ایران در نقل یکی از این گفت‌ووها از او درباره کشمیری متهم ردیف نخست می‌نویسد: «به‌واسطه سربازی او را همه می‌شناختند. اداره رکن دوم ارتش در ابتدای انقلاب برعهده افرادی نظیر رضوی بود اما جالب است که هنگامی که قرار شد کشمیری را جهت دبیرخانه شورای امنیت به نخست‌وزیری بیاوریم بختی بین من و محسن رضایی در گرفت که وی را بسا خودم بیرم چراکه در آن زمان نیروی کارآمد و مومن کم بودا تهرانی در مشرع کشمیری اشاره می‌کند. روزنامه ایران هم اسفندماه ۸۸ در شماره نخست ویژه‌نامه رمز عبور در گفت‌وگویی که از او منتشر کرد نوشت: «با توجه به اینکه کشمیری خود را فرد متشرعی نشان می‌داد مسا اصلا فکر نفوذی بودن او را هم نمی‌کردیم، حتی وقتی بمب در نخست‌وزیری منفجر شد ما فکر نمی‌کردیم کار کشمیری باشد که بعدها با کار اطلاعاتی متوجه شدیم که کار او بوده است.

کشمیری، چون منشی جلسه بود زیاد از جلسه خارج می‌شد و برمی‌گشت. هیچ اتفاق خاصی رخ نداد. همه چیز روند طبیعی داشت و کسی تصور اینکه کشمیری نفوذی باشد را نداشت. البته باید گفت که بعضی در مورد موقعیت او غلو می‌کنند، از جمله می‌گویند شهید-رجایی پشت‌سسر او نماز می‌خوانده یا اینکه دبیر شوراییالی امنیت ملی بود، واقعیت این است که او منشی جلسه بود و کارش اعضا و تقسیم صورجلسات، دعوت از اعضا و تقسیم صورجلسات بود.»

جان به‌دربردگان

به‌جز سرهنگ محمدمهدی کتیبه، سرهنگ ضیایی، معاون ژاندارمری، تیمسار شرف‌خواه معاون نیروی‌زمینی ارتش یوسف کلاه‌دوز، مسوول سپاه پاسداران (که بعدا شهید شد) و خسرو قنبری‌تهرانی، مسوول اطلاعات نخست‌وزیری که هم‌اکنون مدرس

دانشگاه ارشاد دماوند است توانستند از انفجار جان سالم به‌در ببرند.

اما به‌جز کتیبه که کتاب خاطراتش را منتشر کرده و درباره انفجار هم صحبت کرده است و خسرو قنبری معروف به تهرانی حاضر به گفت‌وگو نیست از بقیه در صورتی که در قیدحیات باشند اظهارنظر و گفت‌وگویی منتشر نشده است…

۲ نوبت دستگیری

در ادامه ماجرای انفجار، در دو نوبت افرادی دستگیر می‌شوند یکسری اول و یکسری را چند سال بعد. فردی به نام قوچکانلو، محسن سازگار، علی تهرانی و حسن کلران در دور نخست و خسرو تهرانی و بیژن تاجیک و عده‌ای دیگر در دور دوم (گفت‌وگو ی حجازیان با اندیشه بويا). حجازیان در همانجا می‌گوید که در دور نخست بیشتر، بچه‌هایی را گرفتند که با بهزاد نبوی کار می‌کردند و جنازه (کشمیری) را درست کرده بودند. دور دوم زمانی بود که خوینی‌ها دادستان شدند و پرونده باز به جریان افتاد. به گفته حجازیان خوینی‌ها می‌خواستند پرونده را بدهد دست خودشان برای اینکه تا ته ماجرا بروند و معلوم شود که چیزی نیست و قضیه یکبار برای همیشه بسته شود.

تا جایی که خسرو تهرانی دستگیر می‌شود و قرار بوده حجازیان و بهزاد نبوی هم بازداشت شوند که خوینی‌ها مانع می‌شود و می‌رود با امام صحبت می‌کند.

به گفته حجازیان برای خوینی‌ها مشخص شده بوده که هدف گروه مقابل تسویه‌حساب است. هاشمی هم در خاطراتش می‌نویسد که سه سال بعد از ماجرا بهزاد نبوی از اینکه برخی او را در این ماجرا مقصر می‌دانند گلایه‌مند بوده است و اینکه او معتقد بوده برخورد خطی شده و می‌خواهند خرده‌حساب‌های سیاسی را صاف کنند. پاسخ هاشمی به او این است که تعقیب قضایی پرونده درخواست خود شما بوده و اینکه علی تهرانی (کارمند نخست‌وزیری) که از اول تاکنون بازداشت بوده مطالبی گفته که شک و تردید به‌وجود آمده است. (خاطرات هاشمی، سال ۶۰)

از آن زمان تاکنون بحث‌های زیادی در این‌باره مطرح شده است. رضا گلیور در کتاب شوند اشباح از منبئی با عنوان (ص) نام می‌برد که معتقد بوده تیمی در نخست‌وزیری عمدا سعی داشته‌اند که کشمیری به‌شاید بخواوند و خانه او را بدون اجازه دادستانی نقضش می‌کنند. این ادعا را روح‌الله حسینیان هم در سال ۷۹ مطرح کرد و در یک سخنرانی گفت: «اینها که تظاهر به خطامامی می‌کردند و اطلاعات نخست‌وزیری را در اختیار داشتند می‌دانستند که کشمیری منافق است او را آوردند نخست‌وزیری به پشت بالتر ارتقا دادندد و باافلاصه آمدن یک جنازه برای کشمیری درست کردند بعد که با آگاهی و اعتراض دیگران روبرو شد گفتند می‌دانستیم و ترغند ما بوده که منافقین کشمیری را از کشور خارج نکنند تا دستگیرش کنیم». بعد هم به تقی محمدی، کاردار ایران در افغانستان اشاره می‌کند که سر این ماجرا دستگیری می‌شود اما یک روز بعد جنازه او کف سلول پیاپی می‌شود.

پاسخ به شبهات

سعید حجازیان سال گذشته درگفت‌وگو با نشریه «اندیشه بويا» تا حدی به این شبهات پاسخ داده است: «این طرح وجود داشت که کشمیری از کشور خارج نشده باشد و بهتر است وانمود کنیم که او مرده تا وقت داشته باشیم او را بازداشت کنیم و او دیرتر از کشور خارج شود. اول بچه‌ها فکر کردند که جنازه او کاملا از بین رفته برای همین از مراجع استفتا گرفتند که اگر جسد نباشد چه کنیم برای همین بدن جنازه سنگ قبری برایش درست کردند اما بعد که حدس زدند او عامل انفجار بوده و قاتل کرده ماجرا را پنهان کردند تا وانمود شود ما خبر نداریم و چه‌بسا کشمیری دیرتر از کشور خارج شود و فرصتی باشد که پیدایش کنند.» هاشمی‌رفسنجانی هم در خاطرات سالل ۶۰ خود درباره علت اعلام نام کشمیری در بین کشته‌شدگان انفجار به همین مساله اشاره می‌کند: «این کار برای این بود که منافقین فکر کنند نظامم نمی‌داند که مسعود کشمیری عامل انفجار بوده و از غفلت آنها برای دستگیر کردن او استفاده شود.» آیت‌الله بیات هم معتقد است که علت اعلام شهادت کشمیری در راستای جلوگیری از فرار او بوده است.

حجازیان در همان گفت‌وگو درخصوص ردیابی کشمیری می‌گوید: «کشمیری به خانواده‌اش رنگ زد و معلوم شد که زنده است. احتمالا به عراق رفته بود. اول خانواده‌اش عزادار بودند و بساط عزا پهن کرده بودند بعد از سه روز متوجه شدیم خواهرش شاد و شنگول است و عزاداران نیست.

مادرش هم خیلی آرام شده بود. بعد از دو، سه روز که به مادرش برای تسلیت رنگ می‌زدند می‌گفت لوستر ما سالم است و نشکسته و شما نگران نباشید و می‌خواست غیرمستقیم بفهماند که اتفاقی برای کشمیری نیفتاده است.»

کشمیری کجاست؟

سعید شاهسوندی که سال ۶۷ از منافقین جدا شد در سایت خود می‌نویسد: «کلاهی (عامل انفجار حزب جمهوری اسلامی) و کشمیری کمابیش در روایتند و مانند بسیاری دیگر مساله‌دار با شدت و ضعف‌های مخصوص به خود.» شاهسوندی می‌گوید که کشمیری مدتی را در استانبول زندگی کرده است. حمیدرضا ترقی هم در گفت‌وگویی اعلام کرده بود که «کشمیری با تغییر قیافه و نام، در خارج از کشور زندگی می‌کند.»

ادامه از صفحه اول

سازمان تامين اجتماعي و «آدام اسميت»

در فاصله ۸۴ تا ۹۲ که دولت‌های اصولگرا افکار خدمت داشتند هفت‌بار مدیرعامل با به قول خودمان رییس سازمان تغییر کرد. از جمله این هفت‌نفر جناب «سعید مرتضوی» بودا پس احتمالا خوانندگان دلیل وضع فعلی سازمان را بهتر درک می‌کنند می‌گویند قشونی رفته بود به جنگ اما مدتی بعد به حال زار و شکست‌خورده -درست مثل سازمان اجتماعی خودمان- به‌وطن بازگشت. دانایی از آنها پرسید پس چرا شکست خوردید؟ فرم‌انده سپاه پاسخ داد: به هزارویک دلیل. آن دانا گفت یکی، دو مورد را ذکر کند و فرم‌انده گفت: اول اینکه ما ساز و برگ و مهمات نداشتیم.مرد دانا کلام فرم‌انده را قطع کرد و گفت: «کافی است؛ نیازی به هزار تا بقیامنده نیست» دلایل بسیاری می‌توان آورد که چرا سازمان به این وضع زار گرفتار شده اما همین که ظرف هشت‌سال تقریبا هر سال یکبار رییس آن تغییر کرده و افرادی مانند مرتضوی بدون هیچ تخصص و سابقه‌ای به دستور «احمدی‌نژاد» بر ریاست آن تکیه زدند، انسان را از دانستن دلایل بعدی بی‌نیاز می‌کند. اگر به مرحوم «آدام اسمیت» می‌گفتیم در کشوری که از نظر فرهنگ و تمدن یکی از پرافتخارترین‌ها در دنیاست، اتفاقی قریب و نادر افتاده که آمده‌اند از پس‌انداز حاصل از حق بیمه‌ها، سرمایه‌گذاری کرده‌اند اما خیلی از آن سرمایه‌گذاری‌ها یا واگذاری‌های دولتی، سووده که نیستند هیچ، ضررده هم‌هستند و از جنبایش می‌پرسیدیم چرا اینگونه شد؟ یقینا ایشان با خوشریدی و اکراه از تکرار نکتته‌ای که بارها و بارها توضیح داده بودند، سوال می‌کردند: «مگر نتقدید که مدیریت آن سرمایه‌گذاری‌ها یا همان شستا با دولت است» و وقتی ما پاسخ می‌دادیم «بله» ایشان با عصبانیت می‌گفت «مگر من بارها و بارها نگفته بودم دولت، تاجر خوبی نیست» شستا را می‌سربید به بخش خصوصی توانمند و متخصص، آن وقت می‌دیدید که چگونه سازمان به جای آنکه برای روی دوش دولت تدبیر و امید می‌شد، امروز درآمدهایش آنقدر زیاد بود که چه‌بسا دولت تدبیر و امید را اساسا نیازی به درآمد نفت و پارس جنوبی نمی‌بود…»

سوریه، اپیزودی از یک سناریو بزرگ

در پی این ماجرا جنجال‌های همیشگی رسانه‌ای و جنگ روانی هم آغاز شد ولی مامای که دولت سوریه را حمایت مردم و دوستانی مانند حزب‌الله و ایران و حمایت‌های سیاسی روسیه و چین برخوردار داشت، سقوط چنین رژیم‌با مقهور نیست یا بهای بسیار سنگینی بر آمریکا تحمیل خواهد کرد.

فراموش نکنیم که افشاش و آشوب در تمام کشورهای که آمریکا مداخله کرده است و وعده آزادی و دموکراسی داده است، هر روز ده‌ها بلکه صدها قربانی می‌گیرد، زربینای بسیاری از این کشورها به‌کلی محو و ویران شده است. آموزش و زندگی برای اینک زمان آن شده است و هیچ‌یک از مواعیدی که آمریکا عنوان کرده بود محقق نشده است.

نکته دیگری که قابل ذکر است موضع‌گیری کشورهای اروپایی است که سالیان دراز در پی پيسدا کردن جای پای در خاورمیانه هستند و فکر می‌کنند اینک زمان آن فرارسیده است در حالی که وقتی آمریکا به اهداف خود رسید، هیچ سهمی برای آنها در نظر نخواهد گرفت.

ادامه از صفحه ۲

«اعتدال» نقطه مقابل «افراط‌گرایی»

وی افزود: «متأسفانه دانشگاه نمی‌تواند دستگاه نقد نقادی باشند و استقلال خود را از دست داده‌اند و میدان فرامبری سیاسی شده‌اند و از برج عاج علم فاصله گرفتند» در حالی که نیاز دارند نهادی دموکراتیک باشند، «این استاد دانشگاه صریح کرد: «تنها چیزی که می‌تواند این شکاف و فاصله را بین نهاد سیاسی و فرهنگی کم کند، برقراری یک رابطه دموکراتیک است و راه بازگشت به دموکراتیک‌شدن این است که هفهم جدیدی از مساله اعتدال داشته باشیم.»خاتکی برای روشن‌شدن موضوع به دو سند در ارتباط با جایگاه و نقش دانشگاه اشاره کرد و خواستار بررسی و مقایسه آن با سوی دانشگاهیان و مسوولان و صاحب‌نظران شد؛ یکی بیانیه سال ۱۳۸۰ توسعه علمی کشور بود که توسط دانشمندان کشور تهیه و تدوین شده و در آن بر مشارکت دانشگاه‌ها، استقلال و عدم مداخله نهادهای بیرونی در دانشگاه تاکید شده است و دیگری بیانیه فرهنگستان علوم که نزدیک به یک هفته پیش منتشر شده است و در آن به مواردی کلاملا مشابه در بیانیه ۱۳۸۰ اشاره شده است. خاتکی گفت: نکته جالب توجه اینجاست که پس از ۱۲سال و با وجود یک چارچوب فکری متفاوت، همچنان استقلال، عدم مداخله نهادهای سیاسی و جدی گرفتن مشارکت دانشگاهیان در انتخاب مدیران و مسوولان دانشگاهی مورد توجه است. مشکلائی که راجحل آن را تعادل ساختاری در سایه دنبال کردن مشی اعتدال می‌داند. نهایتا آخرین سخنرانی که در چارچوب موضوع فرهنگ و سیاست سخن راند، سعید معیدفر بود. او گفت: «اعتدال در عین حال به نگرانی‌های جامعه اهمیت می‌دهد به تغییرات می‌توجه باشد» وی به صفات دیدگاه‌های آرمانگرایان پرداخت و اشاره کرد: «در مدیریت این دیدگاه فرهنگ عمومی و رسمی یکسان می‌ماند، همچنین مانع استحاله فرهنگی می‌شود و تخیه‌گرایی موجب ترویج دیدگاه نخبگان جامعه می‌شود.» معیدفر معتقد است اعتدال دیدگاهی واقع‌گرایانه است و باور دارد که جامعه دارای تکثر است و آن را می‌پذیرد.